

مالیات بر مجموع درآمد (۷):

نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه‌ها



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بزرگ بخشایش همیشه بخشایند

بِسْمِ

شماره مسلسل: ۱۸۶۲۲
کد موضوعی: ۲۳۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۱/۱۰/۱۲

عنوان گزارش:

مالیات بر مجموع درآمد (۷):

نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه‌ها

نام دفتر:

مطالعات بخش عمومی

تهیه و تدوین کنندگان:

حمیدرضا بهرمن

مدیر مطالعه:

محمدجواد شریف‌زاده

ناظران علمی:

داریوش ابوحمز، هادی ترابی فر، محمدسعید آقا محمدحسین تجریشی

اظهار نظر کنندگان:

علیرضا قادری، مهدی سرمست

ویراستار ادبی:

پرنده فیاضی

صفحه‌آرا:

فاطمه سرتیپی

واژه‌های کلیدی:

۱. اتصال نظام مالیاتی و نظام رفاهی
۲. سیاست‌های حمایتی
۳. اعتبار مالیاتی
۴. مالیات بر مجموع درآمد



فهرست مطالب

۷

چکیده

۸

خلاصه مدیریتی

۹

مقدمه

۱۰

آیا نظام یارانه‌ها باید با مالیات بر مجموع در آمد مرتبط باشد؟

۱۲

مفهوم اعتبار مالیاتی

۱۶

الگوهای اتصال نظام یارانه‌ای و مالیاتی

۲۳

تجربه سایر کشورها

۲۶

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۲۷

منابع و مأخذ

۲۵

منابع و مأخذ

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱. انواع بارانه‌های نقدی ۱۱
- جدول ۲. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۱) ۱۲
- جدول ۳. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۲) ۱۲
- جدول ۴. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۳) ۱۳
- جدول ۵. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۴) ۱۳
- جدول ۶. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۵) ۱۴
- جدول ۷. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۶) ۱۴
- جدول ۸. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۷) ۱۵
- جدول ۹. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۸) ۱۵
- جدول ۱۰. درآمد خالص با اعمال درآمد پایه همگانی ۱۶
- جدول ۱۱. درآمد خالص با اعمال مالیات هموار و درآمد پایه همگانی ۱۹
- جدول ۱۲. درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی ۲۱

فهرست نمودارها

- نمودار ۱. درآمد خالص با اعمال درآمد پایه همگانی ۱۷
- نمودار ۲. درآمد خالص با اعمال مالیات هموار و درآمد پایه همگانی ۱۹
- نمودار ۳. درآمد ناخالص و خالص در طرح مالیات بر درآمد منفی ۲۰
- نمودار ۴. درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی ۲۲
- نمودار ۵. درآمد خالص خانوار ۵ نفره در طرح اعتبار مالیاتی در آمد اکتسابی ۲۴
- نمودار ۶. میزان اعتبار مالیاتی در آمد اکتسابی بر اساس تعداد فرزندان و سطح درآمد ۲۵



مالیات بر مجموع درآمد (V): نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه‌ها

[چکیده]

یارانه‌های نقدی یکی از روش‌های ارتقای رفاه عمومی و کاهش فقر و نابرابری است که می‌تواند به صورت مستقل از نظام مالیاتی و یا در ارتباط با این نظام باشد. در زمان آغاز پرداخت یارانه نقدی (در قالب طرح هدفمندی یارانه‌ها) نظام مالیات بر مجموع درآمد در ایران وجود نداشت، اما اجرای نظام مالیات بر مجموع درآمد در آینده نزدیک می‌تواند موجب تجدیدنظر در روش پرداخت یارانه شود و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد مسئله بهترین الگوی پرداخت یارانه به کار گرفته شود.

[خلاصه مدیریتی]

مساوی بودن اعتبار مالیاتی و پرداخت همگانی) به صورت پرداخت مستقیم نقدی هزینه کمتری داشته و آثار منفی کمتری بر بازار کار دارد. در بخش دیگری از گزارش تجربه برخی کشورها در زمینه اعتبار مالیاتی و پیوند آن با نظام یارانه‌ها بررسی شده است. در این بخش تجربه اعتبار مالیاتی در ایالت آلاسکا آمریکا، اعتبار همگانی انگلستان، اعتبار نیروی کار آمریکا و کمک‌های اجتماعی ترکیه مطالعه شده است. یکی از آسیب‌های نظام پرداخت یارانه در ایران، عدم ارتباط آن با نظام مالیاتی است. در حالی که در بسیاری از کشورهای بررسی شده، علاوه بر آنکه منابع نظام حمایتی از طریق مالیات‌ستانی تأمین می‌شود، داده‌های مالیاتی نقشی اساسی در تشخیص گروه هدف سیاست‌های حمایتی (خانوارهای کم‌درآمد) ایفا می‌کنند. زیرا اطلاعات مالیاتی اصلی‌ترین منبع برای شناسایی درآمد خانوار است. در کشور ما، عدم ارتباط نظام حمایتی با نظام مالیاتی موجب شده است تا یارانه‌ها نقش باز توزیعی ناچیزی داشته باشند و تقریباً به شکل برابر بین همه خانوارها توزیع شوند.

پیاده‌سازی نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند در شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و هدفمندسازی یارانه‌ها، نقش مؤثری داشته باشد. همچنین در بستر مالیات بر مجموع درآمد می‌توان از ابزارهایی که به اتصال مؤثرتر نظام حمایتی به نظام مالیاتی منجر شود مانند اعتبار مالیاتی استفاده کرد. البته تعیین میزان اعتبارهای مالیاتی و نحوه بازپرداخت آنها، نیازمند مطالعات گسترده‌تری است. در هر صورت استفاده از اطلاعات نظام مالیاتی و اطلاعات به دست آمده از مالیات بر مجموع درآمد در راستای ارتباط نظام مالیاتی و یارانه‌ای و در مرحله بعد استفاده از شیوه‌های نوین اتصال نظام مالیاتی و حمایتی مانند اعتبار مالیاتی، مالیات بر درآمد منفی، اعتبار مالیاتی درآمد کار و... می‌توانند علاوه بر هدفمند و اثربخش‌تر کردن سیاست‌های حمایتی، سیاستگذار را در رسیدن به سایر اهداف سیاستی کمک کنند.

یارانه‌های نقدی یکی از روش‌های ارتقای رفاه عمومی و کاهش فقر و نابرابری است که می‌تواند به صورت مستقل از نظام مالیاتی و یا در ارتباط با این نظام باشد. در زمان آغاز پرداخت یارانه نقدی (در قالب طرح هدفمندی یارانه‌ها) نظام مالیات بر مجموع درآمد در ایران وجود نداشت، اما اجرای نظام مالیات بر مجموع درآمد در آینده نزدیک می‌تواند موجب تجدیدنظر در روش پرداخت یارانه شود و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد مسئله بهترین الگوی پرداخت یارانه به کار گرفته شود.

در بخش اول گزارش، برخی روش‌های پرداخت یارانه نقدی معرفی و نقاط قوت و ضعف هر کدام مشخص می‌شود. برخی از روش‌های پرداخت یارانه همچون درآمد پایه همگانی، سود سهام اجتماعی و درآمد مشارکت، یارانه‌های منفصل از نظام مالیاتی هستند. درآمد پایه همگانی، پرداخت نقدی به همه شهروندان به طور یکسان و فارغ از سطح درآمد یا ویژگی‌های آنهاست. سود سهام اجتماعی عایدی دارایی‌های ملی است که توسط دولت مدیریت می‌شود و بخشی از آن برای نسل‌های آینده باقی مانده و بخشی به صورت نقدی بین مردم توزیع می‌شود. این طرح به سهام عدالت در ایران شباهت دارد. درآمد مشارکت، پرداخت نقدی به جمعیت شاغل یا جویای کار است. این سه طرح، ساز و کارهای یارانه‌ای منفصل از نظام مالیاتی هستند. رویکرد دیگر اتصال نظام یارانه‌ای به نظام مالیاتی از طریق در نظر گرفتن درآمد پایه همگانی به عنوان اعتبار مالیاتی و پس از آن اخذ مالیات بر مجموع درآمد است. مطابق ساز و کار این پیشنهاد، به همه افراد جامعه (یا خانوارها) اعتباری داده می‌شود که از بدهی مالیات بر مجموع درآمد آن‌ها کسر می‌گردد؛ در صورتی که میزان بدهی مالیاتی از اعتبار فرد کمتر باشد، دولت مابه‌التفاوت این دورا به صورت نقدی به فرد پرداخت می‌کند. یکی از نمونه‌های این رویکرد، الگوی مالیات بر مجموع درآمد با نرخ هموار و اعتبار مالیاتی پایه (همگانی) است. این طرح پیشنهادی که حداقل معیشت را برای همه افراد جامعه تضمین می‌کند، نسبت به درآمد پایه همگانی (با فرض



[مقدمه]

یارانه‌های نقدی به خصوص در سال‌های اخیر به یکی از چالشی‌ترین مباحث اقتصاد ایران تبدیل شده است. هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹، برقراری یارانه معیشتی خانوار در سال ۱۳۹۸ و اجرای طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها (یارانه جایگزین ارزش‌ترجیحی) در سال ۱۴۰۱ از مهم‌ترین تحولات در نظام رفاهی و یارانه‌ای کشورمان هستند. بهبود نظام یارانه‌ای و رفاهی با هماهنگ کردن آن با نظام مالیاتی امکان‌پذیر است. در برخی از کشورهای جهان مالیات بر مجموع درآمد به عنوان مهم‌ترین ابزار باز توزیع درآمد بین دهک‌های مختلف استفاده می‌شود و می‌تواند زیرساخت مناسبی را برای اعطای یارانه فراهم کند، اما تاکنون از این ابزار در ایران استفاده نشده است.

در این گزارش ابتدا تمایز و نقاط ضعف و قوت یارانه‌های نقدی، قیمتی و کالایی به اختصار بیان شده و سپس انواع روش‌های پرداخت یارانه نقدی اعم از الگوهای متصل و منفصل از نظام مالیاتی معرفی، نقد و بررسی می‌شود. ساز و کارهای پرداخت یارانه منفصل از نظام مالیاتی عبارتند از: درآمد پایه همگانی، سود سهام اجتماعی و درآمد مشارکت. ساز و کارهای یارانه‌ای متصل با نظام مالیاتی عبارتند از: مالیات هموار/درآمد پایه، تضمین حداقل درآمد مبتنی بر آزمون استطاعت، مالیات بر درآمد منفی و حمایت‌های خاص و موردی. تشریح ساز و کار پرداخت و نقاط ضعف و قوت هر یک در این گزارش آورده شده است.

پس از آن تجربه کشورهای جهان در زمینه پرداخت یارانه و نحوه ایجاد اتصال میان نظام مالیاتی و نظام رفاهی بررسی می‌شود.



۱. در گزارش دیگری به صورت مجزا به انواع سیاست‌های حمایتی اعم از یارانه نقدی و شبه‌نقدی پرداخته شده است.

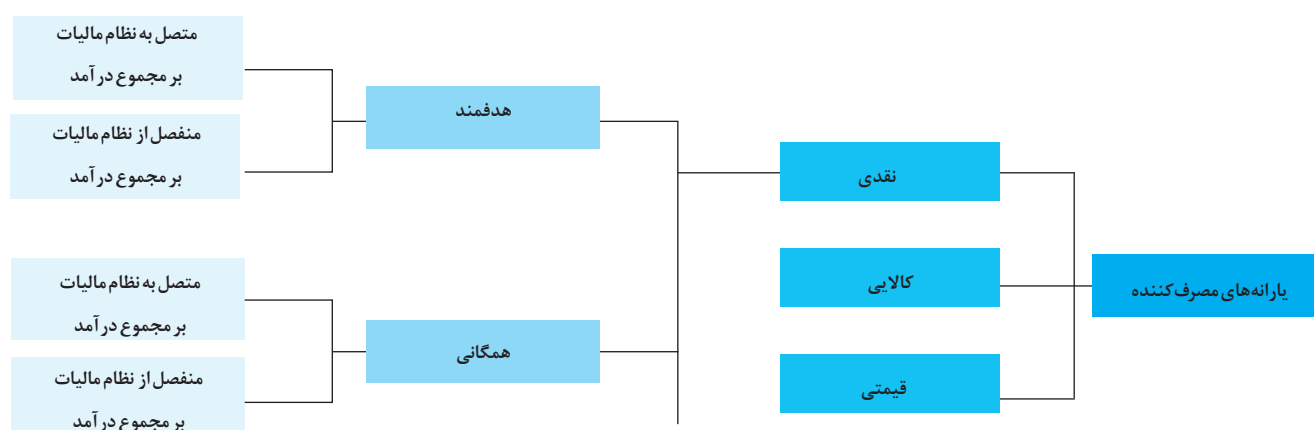
۱. آیا نظام یارانه‌ها باید با مالیات بر مجموع درآمد مرتبط باشد؟

این امکان را برای آنها فراهم می‌کند که خود برای خود تصمیم بگیرند و مبلغ یارانه را به مهم‌ترین نیازهایی که خود تشخیص می‌دهد اختصاص دهند. این نوع یارانه فاقد برخی مشکلات ذکر شده برای یارانه‌های قیمتی و کالایی است و در صورت طراحی مناسب، فساد اقتصادی و اختلال زیادی در بازار ایجاد نمی‌کند. این گزارش در صد ارائه و معرفی الگوهای اتصال نظام مالیاتی و یارانه‌های نقدی و دلالت‌های آن برای اصلاح نظام مالیاتی و یارانه‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

یارانه‌های نقدی از حیث شمول به یارانه‌های همگانی^۱ و هدفمند (گزینشی)^۲ تقسیم می‌شوند. یارانه‌های همگانی به همه دهک‌های درآمدی تعلق می‌گیرد؛ در حالی که یارانه‌های هدفمند صرفاً گروه‌های هدف به‌ویژه اقشار فقیر (و متوسط) را در بر می‌گیرد. از طرف دیگر یارانه‌های نقدی از حیث هماهنگی و اتصال با نظام مالیاتی به یارانه‌های متصل به نظام مالیاتی و یارانه‌های منفصل (و جدا) از نظام مالیاتی تقسیم می‌شوند. انواع یارانه‌های مصرف‌کننده در شکل ۱ و انواع یارانه‌های نقدی با ذکر مثال در جدول ۱ نشان داده شده است:

در ادبیات علمی اقتصاد رفاه، یارانه‌ها یکی از مؤثرترین ابزارها برای ارتقای رفاه طبقات متوسط و ضعیف شناخته می‌شوند. یارانه‌ها از نظر روش پرداخت در سه دسته یارانه‌های نقدی، کالایی و قیمتی جای می‌گیرند. یارانه‌های کالایی اعطای سبد کالا به مردم است. در جوامع سنتی که بسیاری از کالاها در چارچوب خارج از بازار رسمی، تهیه و توزیع شده و دسترسی به مراکز خرید بازارهای متنوع نیز وجود ندارد یارانه کالایی می‌تواند بهتر از یارانه نقدی و قیمتی عمل کند؛ هر چند هزینه‌های حمل‌ونقل و فساد در توزیع، از معایب اصلی این یارانه است. یارانه قیمتی پرداخت بخشی از قیمت محصول توسط دولت است که موجب کاهش قیمت برای مصرف‌کننده می‌شود. این نوع یارانه به دلیل تشویق مصرف، ایجاد اختلال و انحراف^۱ در مسیر طبیعی اقتصاد، ایجاد زمینه برای فساد اقتصادی، گسترش دامنه بازار سیاه و افزایش قاچاق و عدم رعایت عدالت در توزیع یارانه مورد انتقاد قرار گرفته است. استفاده از یارانه قیمتی تنها در مورد برخی کالاهای شایسته^۲ و دارای آثار خارجی^۳ مثبت (مثل شیر و محصولات فرهنگی) توصیه می‌شود. یارانه نقدی اعطای پول نقد یا اعتبار به مصرف‌کنندگان است که

شکل ۱: انواع یارانه‌های مصرف‌کننده



ماخذ: یافته‌های تحقیق

1. Distortion
2. Merit Goods
3. Externality
4. Universal
5. Selective or Targeted

جدول ۱. انواع یارانه‌های نقدی

عنوان	متصل به نظام مالیات بر مجموع درآمد	منفصل از نظام مالیات بر مجموع درآمد
هدفمند	مالیات بر درآمد منفی اعتبار مالیاتی در آمد کار (EITC)	درآمد مشارکت ^۱ کمک‌های اجتماعی ^۲
همگانی	اعتبار پایه برگشت‌پذیر ^۳ مالیات هموار / درآمد پایه ^۴	درآمد پایه همگانی ^۵ سود سهام اجتماعی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

اساسی در آن کمرنگ است، اما در صورتی که نظام یارانه‌ای با نظام مالیاتی هماهنگ شود و برای پرداخت یارانه‌ها و دریافت مالیات تبادل اطلاعاتی کاملی انجام شود کارایی سیاست‌های حمایتی و مالیاتی تا حد قابل توجهی افزایش خواهد یافت.

اولین قدم برای پرداخت یارانه به کم‌درآمدها، ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به درآمد افراد جامعه است. این بانک اطلاعاتی باید حاوی داده‌های به‌روز مربوط به تعداد افراد خانوار و درآمد و وضعیت اشتغال هر یک از آنان باشد. این داده‌ها معمولاً در اختیار سازمان مالیاتی کشورها قرار دارد، زیرا این سازمان برای جمع‌آوری مالیات از اطلاعات نهادهای مختلف بهره می‌گیرد. در کشور ما نیز طبق ماده (۱۶۹) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم تمامی سازمان‌های دارای اطلاعات مانند بانک، بیمه، گمرک، سازمان ثبت اسناد و املاک و ... مکلف به ارائه اطلاعات به سازمان مالیاتی شده‌اند. با توجه به اینکه هیچ‌یک از نهادهای دیگر چنین اطلاعات جامعی را در اختیار ندارند، لذا برای شناسایی دقیق درآمد افراد، یکی از روش‌هایی که می‌تواند در آینده کارآمد باشد بهره‌گیری از اظهارنامه‌های مالیاتی درآمد خانوار است.

از میان روش‌های اعطای یارانه نقدی، برخی روش‌ها به‌صورت مستقل و جدا از نظام مالیاتی و برخی به‌صورت پیوسته و هماهنگ با نظام مالیاتی اجرا می‌شوند. هرچند که می‌توان به‌عنوان یک راهکار میانه استفاده از اطلاعات نظام مالیاتی در پرداخت یارانه نقدی هدفمند را به‌عنوان ارتباط نظام مالیاتی و یارانه‌ای تلقی کرد با وجود این برقراری اتصال کامل بین نظام یارانه‌ها و نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند به‌صورت اعطای اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر^۳ باشد که در ادامه به بیان تاریخچه، انواع و مزایای آن می‌پردازیم.

پرداخت یارانه نقدی هدفمند نیازمند وجود بانک‌های اطلاعاتی گسترده و قابل اطمینانی است که افراد پردرآمد را از افراد کم‌درآمد تفکیک و بدون وجود امکان فریب سیستم توسط دریافت‌کنندگان مزایا، واجدین شرایط دریافت یارانه را با دقت شناسایی کند. از طرفی دولت برای جمع‌آوری مالیات نیازمند بانک اطلاعاتی مشابهی است که درآمد، ثروت و معاملات اقتصادی را رصد و اطلاعات مربوط را در سامانه‌ای تجمیع کند. هرچند که تمرکز نظام مالیات بر مجموع درآمد بر درآمدهای بالاتر است و همچنین اطلاعات مربوط به دارایی‌ها و سایر اطلاعات رفاهی مانند دسترسی به آموزش، سلامت و زیرساخت‌های

1. Participation Income

2. Social Assistances

۳. اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر (Refundable Tax Credit) مبلغی است که از بدهی مالیاتی کسر می‌شود و در صورتی که بدهی مالیاتی کمتر از این اعتبار مالیاتی باشد مقدار مابه التفاوت به صورت نقدی به مؤدی مالیاتی پرداخت می‌شود

4. Basic Income\Flat Tax

5. Universal Basic Income

6. Refundable Tax Credit

۲. مفهوم اعتبار مالیاتی

است. میزان اعتبار مالیاتی و هزینه قابل قبول در هر مثال تغییر می کند.

■ مثال ۱: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰ درصد است. هیچ هزینه قابل قبول و اعتبار مالیاتی وجود ندارد. در این صورت درآمد مشمول مالیات^۵ همان ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است. لذا همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است بدهی مالیاتی ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد شد.

ابتدا لازم است مفهوم اعتبار مالیاتی^۱ و تفاوت آن با هزینه های قابل قبول روشن شود. در محاسبه مالیات بر درآمد، اعتبار مالیاتی از مالیات پرداختنی نهایی (بدهی مالیاتی در انتهای سال) کسر می شود؛ در حالی که هزینه های قابل قبول^۲ (و معافیت ها)^۳ از درآمد کسر می شود. در ادامه این بخش با ذکر چند مثال تفاوت اعتبار مالیاتی و هزینه قابل قبول توضیح داده خواهد شد:^۴ درآمد ناخالص فرد در مثال های ۱ تا ۴ معادل ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات در همه مثال ها ۲۰ درصد فرض شده

جدول ۲. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۱)

عنوان	مبلغ	عملیات ریاضی
درآمد ناخالص	۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال	
هزینه های قابل قبول	۰ ریال	-
درآمد مشمول مالیات	۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=
نرخ مالیات	۲۰ %	×
بدهی مالیاتی اولیه	۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=
اعتبار مالیاتی	۰ ریال	-
بدهی مالیاتی نهایی	۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=

ماخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۳ این مقدار از بدهی مالیاتی (۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) کسر می شود لذا فرد باید ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال مالیات به دولت پرداخت نماید.

■ مثال ۲: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰ درصد است. هزینه قابل قبول صفر و اعتبار مالیاتی به میزان ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است. طبق

جدول ۳. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۲)

عنوان	مبلغ	عملیات ریاضی
درآمد ناخالص	۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال	
هزینه های قابل قبول	۰ ریال	-
درآمد مشمول مالیات	۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=
نرخ مالیات	۲۰ %	×
بدهی مالیاتی اولیه	۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=
اعتبار مالیاتی	۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال	-
بدهی مالیاتی نهایی	۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=

ماخذ: همان

1. Tax Credit
2. Deduction
3. Exemption

5. Taxable Income

۴. در زمینه اعتبار مالیاتی و هزینه های قابل قبول مالیاتی دو گزارش مجزا تهیه شده است لذا در این قسمت صرفاً مقدمه ای بیان می شود.

و اعتبار مالیاتی در این نکته است که هزینه قابل قبول از درآمد کسر می شود تا درآمد مشمول مالیات به دست آید، اما اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی کسر می شود تا بدهی مالیاتی نهایی به دست آید.

■ مثال ۳: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰ درصد است. اعتبار مالیاتی وجود ندارد و مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی در نظر گرفته شده است. این مبلغ از درآمد فرد کسر می شود و درآمد مشمول مالیات ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد شد. همان طور که در جدول ۴ نشان داده شده فرد باید ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان مالیات به دولت پرداخت کند. تفاوت هزینه قابل قبول

جدول ۴. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۳)

عملیات ریاضی	مبلغ	عنوان
	ریال ۵۰.۰۰۰.۰۰۰	درآمد ناخالص
-	ریال ۵.۰۰۰.۰۰۰	هزینه های قابل قبول
=	ریال ۴۵.۰۰۰.۰۰۰	درآمد مشمول مالیات
×	٪ ۲۰	نرخ مالیات
=	ریال ۹.۰۰۰.۰۰۰	بدهی مالیاتی اولیه
-	ریال ۰	اعتبار مالیاتی
=	ریال ۹.۰۰۰.۰۰۰	بدهی مالیاتی نهایی

ماخذ: همان

مالیاتی ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به دست می آید. اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال کسر می شود بنابراین همان طور که در شکل ۶ هم تشریح شده در انتها بدهی مالیاتی ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد شد.

■ مثال ۴: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰٪ است. هم اعتبار مالیاتی و هم هزینه قابل قبول ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال است. ابتدا هزینه قابل قبول از درآمد کسر می شود و درآمد مشمول مالیات

جدول ۵. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۴)

عملیات ریاضی	مبلغ	عنوان
	ریال ۵۰.۰۰۰.۰۰۰	درآمد ناخالص
-	ریال ۵.۰۰۰.۰۰۰	هزینه های قابل قبول
=	ریال ۴۵.۰۰۰.۰۰۰	درآمد مشمول مالیات
×	٪ ۲۰	نرخ مالیات
=	ریال ۹.۰۰۰.۰۰۰	بدهی مالیاتی اولیه
-	ریال ۵.۰۰۰.۰۰۰	اعتبار مالیاتی
=	ریال ۴.۰۰۰.۰۰۰	بدهی مالیاتی نهایی

ماخذ: همان



تفاوت اعتبار مالیاتی برگشت پذیر با اعتبار مالیاتی غیر برگشت پذیر بیان می‌شود.

■ مثال ۵: فرد فقیری تنها ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد دارد و نرخ مالیات ۲۰٪ است. در نظام مالیات بر درآمد هیچ اعتبار مالیاتی و هزینه قابل قبولی در نظر گرفته نشده است. در این صورت ۲۰٪ درآمد ناچیز این فرد یعنی ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان بدهی مالیاتی محسوب شده و باید به دولت پرداخت شود.

تا این جای بحث تفاوت اعتبار مالیاتی و معافیت مالیاتی توضیح داده شد، در این جا لازم است به انواع اعتبارات مالیاتی نیز اشاره‌ای داشته باشیم. یارانه‌ها می‌تواند به عنوان اعتبار مالیاتی برگشت پذیر^۱ یا غیر برگشت پذیر^۲ برای شهروندان در نظر گرفته شود. اعتبار مالیاتی برگشت پذیر دارای بازپرداخت به مردم نیز هست یعنی ممکن است فرد در نهایت به جای این که مالیاتی پرداخت کند مبلغی به عنوان یارانه از دولت دریافت کند. این مبلغ همان یارانه نقدی است که در چارچوب نظام مالیاتی به فرد پرداخت می‌شود. در ادامه مثال‌هایی برای تبیین

جدول ۶. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۵)

عنوان	مبلغ	عملیات ریاضی
درآمد ناخالص	۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال	
هزینه‌های قابل قبول	۰ ریال	-
درآمد مشمول مالیات	۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=
نرخ مالیات	۲۰٪	×
بدهی مالیاتی اولیه	۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=
اعتبار مالیاتی	۰ ریال	-
بدهی مالیاتی نهایی	۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=

مأخذ: محاسبات تحقیق

درآمد کسر شده و ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات به دست می‌آید بنابراین بدهی مالیاتی نهایی ۶۰۰,۰۰۰ ریال می‌شود.

■ مثال ۶: فرد ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد دارد و نرخ مالیات بر مجموع درآمد ۲۰٪ است. اعتبار مالیاتی صفر است اما ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته شده است. هزینه قابل قبول از

جدول ۷. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۶)

عنوان	مبلغ	عملیات ریاضی
درآمد ناخالص	۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال	
هزینه‌های قابل قبول	۲.۰۰۰.۰۰۰ ریال	-
درآمد مشمول مالیات	۳.۰۰۰.۰۰۰ ریال	=
نرخ مالیات	۲۰٪	×
بدهی مالیاتی اولیه	۶۰۰.۰۰۰ ریال	=
اعتبار مالیاتی	۰ ریال	-
بدهی مالیاتی نهایی	۶۰۰.۰۰۰ ریال	=

مأخذ: محاسبات تحقیق.

1. Refundable Tax Credit
2. Non-Refundable Tax Credit

چون استرداد و برگشت وجه وجود ندارد بدهی مالیاتی نهایی صفر می‌شود و فرد نه یارانه‌ای دریافت می‌کند و نه مالیاتی می‌پردازد.

■ مثال ۷: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰٪ است. هزینه قابل قبول صفر است و اعتبار مالیاتی برابر با ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت برگشت‌ناپذیر (غیرقابل استرداد) در نظر گرفته شده است.

جدول ۸. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۷)

عنوان	مبلغ	عملیات ریاضی
درآمد ناخالص	۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	
هزینه‌های قابل قبول	۰ ریال	-
درآمد مشمول مالیات	۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	=
نرخ مالیات	۲۰٪	×
بدهی مالیاتی اولیه	۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	=
اعتبار مالیاتی برگشت‌ناپذیر	۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	-
بدهی مالیاتی نهایی	۰ ریال	=

مأخذ: همان.

مالیاتی از بدهی مالیاتی کسر می‌شود و در نهایت ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال یارانه نقدی به فرد تعلق می‌گیرد.

■ مثال ۸: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰ درصد است. اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر (قابل استرداد) برابر با ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال و هزینه قابل قبول برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. اعتبار

جدول ۹. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۸)

عنوان	مبلغ	عملیات ریاضی
درآمد ناخالص	۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال	
هزینه‌های قابل قبول	۰ ریال	-
درآمد مشمول مالیات	۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال	=
نرخ مالیات	۲۰٪	×
بدهی مالیاتی اولیه	۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال	=
اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر	۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	-
بدهی مالیاتی نهایی	۱,۰۰۰,۰۰۰ - ریال	=

مأخذ: همان.

فرد به دست می‌آید. اعتبارات مالیاتی از این مبلغ کسر شده و بدهی مالیاتی نهایی به دست می‌آید. بدهی مالیاتی نهایی منفی به معنای پرداخت یارانه به مؤدی مالیاتی است که در صورتی که اعتبار مالیاتی از نوع برگشت‌پذیر باشد به او پرداخت می‌شود و در صورتی که اعتبار مالیاتی غیر برگشت‌پذیر باشد پرداختی صورت نمی‌گیرد.

مثال‌های فوق تفاوت اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر و غیر برگشت‌پذیر را به خوبی نشان می‌دهند. همچنین تفاوت نحوه تأثیر هزینه‌های قابل قبول و اعتبارات مالیاتی بر درآمد خالص فرد به روشنی در این مثال‌ها تصویر شدند. هزینه‌های قابل قبول و معافیت‌های مالیاتی از درآمد ناخالص کسر می‌شود و درآمد مشمول مالیات به دست می‌آید. درآمد مشمول مالیات در نرخ مالیات ضرب می‌شود و بدهی مالیاتی



۳. الگوهای اتصال نظام یارانه‌ای و مالیاتی

چگونه باشد. درآمد پایه همگانی دارای ویژگی‌های زیر است:
با افزایش درآمد فرد، این پرداخت نقدی متوقف نمی‌شود و کاهش
نمی‌یابد.

این درآمد به همه یا اکثر جمعیت پرداخت می‌شود و بر یک یا چند
گروه خاص تمرکز ندارد.

اغلب صاحب‌نظران درآمد پایه همگانی را پرداخت انتقالی که هر دو
ویژگی فوق را داشته باشد در نظر گرفته‌اند. درآمد پایه به صورت نقدی
است (نه کالایی)، همگانی بوده (نه مشروط) و غیر تعهدآور است (نه
تعهدآور نسبت به کار و موارد مشابه).^۲ (فلامند و کالسامیلیا، ۲۰۱۹،
۶۴۵) در جدول ۱۰ و نمودار ۱ اثر درآمد پایه همگانی بر درآمد خالص
افراد مشاهده می‌شود.

در ادامه انواع روش‌های اعطای یارانه و نحوه اتصال آنها به نظام مالیات
بر مجموع درآمد بررسی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد برخی
سازوکارهای پرداخت یارانه مستقل از نظام مالیات بر مجموع درآمد و
برخی متصل به این نظام است. در ادامه به هر دو دسته سازوکارها اشاره
می‌شود و کارکردها، مزایا و معایب هر کدام بررسی می‌شود.

۳-۱- سازوکارهای پرداخت یارانه منفصل از نظام مالیاتی

۱-۱-۳. درآمد پایه همگانی^۱

درآمد پایه همگانی^۲ پرداخت انتقالی نامشروطی است که به همه
شهروندان تعلق می‌گیرد، فارغ از اینکه وضعیت شغلی و درآمدی آنان

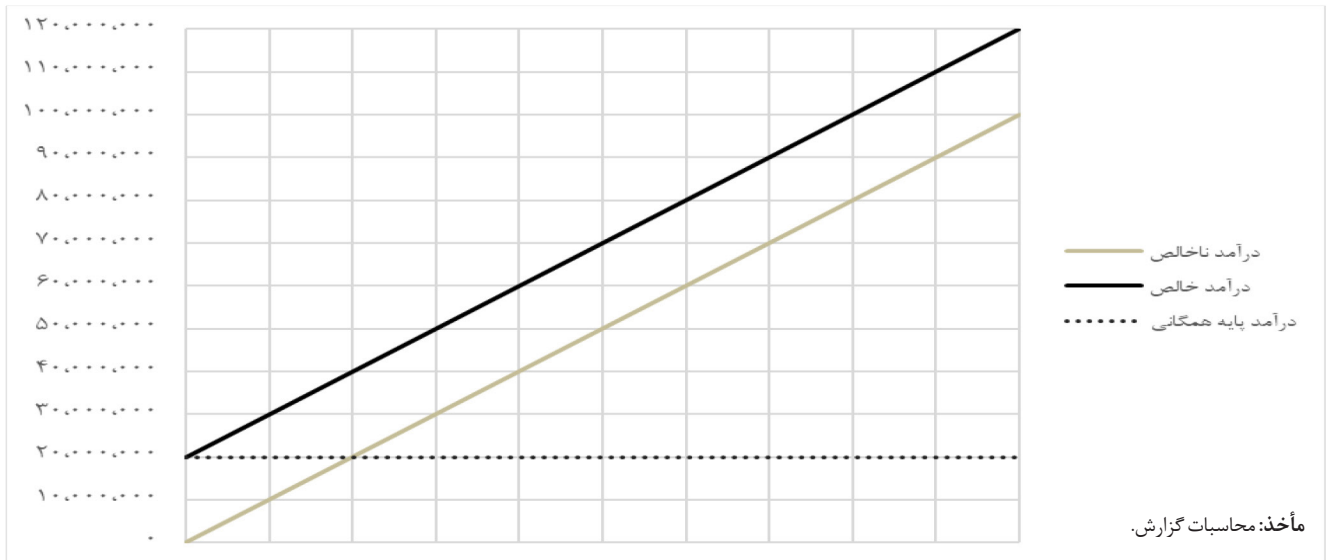
جدول ۱۰. درآمد خالص با اعمال درآمد پایه همگانی

درآمد خالص	درآمد پایه همگانی	درآمد ناخالص
ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۰
ریال ۲۲,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
ریال ۲۵,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۵,۰۰۰,۰۰۰
ریال ۳۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۱۰,۰۰۰,۰۰۰
ریال ۴۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰
ریال ۷۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۵۰,۰۰۰,۰۰۰
ریال ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰
ریال ۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰

مأخذ: محاسبات گزارش.

۱. درآمد پایه همگانی در گزارش مجزایی با عنوان «سیاست‌های حمایتی نقدی؛ درآمد پایه همگانی» مورد بررسی قرار گرفته است.
۲. سایر اسامی درآمد پایه همگانی (Universal Basic Income) عبارتند از: درآمد پایه نامشروط (Unconditional Basic Income)، در انگلیس: درآمد شهروندی (Citizen's Income)، درآمد پایه تضمین‌شده (Basic Income Guarantee) و درآمد تضمین‌شده سالیانه (Guaranteed Annual Income)، در آمریکا و کانادا: دستمزد پایه معیشت (Basic Living Stipend) و کمک بلاعوض همگانی (Universal Demogrant).
۳. برخی سازوکارهای پرداخت نقدی، افراد را ملزم به حفظ وضعیت اشتغال می‌کنند و در صورتی که فرد بیکار شود او را از دریافت مزایا محروم می‌کنند. این سازوکارها در کنار افزایش رفاه، مشوق کار یا تعهدآور نسبت به کار هستند، اما درآمد پایه همگانی غیر تعهدآور است.

نمودار ۱. درآمد خالص با اعمال درآمد پایه همگانی



اندازه از حمایت‌های نقدی برخوردار می‌شوند.

۲-۱-۳. سود سهام اجتماعی^۴

سود سهام اجتماعی، عایدی نقدی سرمایه‌های عمومی و ثروت‌های طبیعی است که با نظارت و مدیریت دولت بین همه شهروندان توزیع می‌شود. این طرح پیشنهادی را برای اولین بار اسکار لانگه^۵ (۱۹۳۶) اقتصاددان سوسیالیست لهستانی در فضای مکتب اقتصادی سوسیالیسم بازار^۶ مطرح کرد. او به تبعیت از تفکر سوسیالیستی، دولت را مالک تمامی ابزارهای تولید می‌داند، اما طبق تفکر بازاری مدیران این بنگاه‌ها را افرادی منفعت‌طلب تلقی می‌کرد که در پی حداکثر کردن سود خود هستند. در صورتی که منافع مدیران به منافع بنگاه‌ها گره زده شود آنها حداکثر سود خود را از طریق حداکثر کردن سود بنگاه‌ها می‌جویند. سود بنگاه‌های دولتی تماماً به مدیران آنها تعلق نمی‌گیرد، بلکه قسمت عمده آن در صندوقی تجمیع می‌شود. بخشی از سود به صورت نقدی و علی‌السویه بین همه مردم توزیع می‌شود که به آن سود سهام اجتماعی گفته می‌شود و بخشی برای نسل‌های بعد باقی می‌ماند (یانگر، ۱۹۷۷).^۷

امروزه صندوق‌های زیادی در سطح دنیا عایدی حاصل از فروش سرمایه‌های عمومی را برای نسل‌های بعد نگهداری می‌کنند. برخی از

طرفداران ایده درآمد پایه همگانی معتقدند پرداخت‌های مبتنی بر آزمون استطاعت،^۱ هزینه‌های زیادی بابت شناسایی فقرا به دولت تحمیل می‌کند و درآمد پایه همگانی با حذف این سازوکارها، هزینه‌های شناسایی و آزمون وسع را به صفر می‌رساند. از طرفی پرداخت‌های مشروط، معمولاً با خطای استثنا^۲ همراه است یعنی برخی مستحقان حائز شرایط را از قلم انداخته و از دریافت کمک‌های نقدی محروم می‌کند. پرداخت نامشروط همچون درآمد پایه همگانی خطای استثنا را به صفر رسانده و معیشت حداقلی را با حداکثر اطمینان برای تمامی فقرا تضمین می‌کند.

جدی‌ترین انتقادی که به درآمد پایه همگانی وارد است پرهزینه بودن آن است. به طوری که امکان‌پذیری آن برای بسیاری از کشورها محل سؤال است. برای مثال هزینه پرداخت درآمد پایه به میزان پانصد هزار تومان به هر ایرانی معادل با کل بودجه عمومی دولت مصوب سال ۱۳۹۸ است.^۳ با توجه به پرهزینه بودن این گونه پرداخت همگانی، ایده جدیدی با تلفیق نظام مالیات بر درآمد و درآمد پایه مطرح شده که هزینه واقعی پرداخت درآمد پایه همگانی را به شدت کاهش می‌دهد. همچنین پرداخت یکسان همگانی، از منظر عدالت اجتماعی نیز نقد شده است؛ زیرا در این نظام حمایتی، خانوارهای فقیر و غنی به یک

۱. پرداخت‌های مبتنی بر آزمون استطاعت (Means-tested Transfers) پرداخت‌هایی هستند که پس از سنجش درآمد یا ثروت افراد و به صورت مشروط به برخی افراد جامعه پرداخت می‌شوند. در مقابل در پرداخت‌های نامشروط و همگانی هیچ سنجش درآمد یا آزمون استطاعتی صورت نمی‌گیرد.

2. Exclusion Error

۳. با احتساب جمعیت ۸۵ میلیون نفری، پرداخت ماهیانه پانصد هزار تومان به هر شهروند ایرانی سالیانه ۵۱۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارد که تقریباً معادل بودجه عمومی کل کشور مصوب سال ۱۳۹۸ است. بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۹۸ بودجه عمومی دولت بالغ بر ۵۲۰ هزار میلیارد تومان است. هستند.

4. Social Dividend

5. Oskar Lange

6. Market Socialism

7. Yunker



استرتون، ۲۰۰۷).^۵
تشویق به کار در طرح درآمد مشارکت بیشتر از طرح درآمد پایه همگانی است، زیرا افراد بیکار در این طرح از دریافت مزایا محروم می‌شوند. رالز معتقد است که دولت وظیفه ندارد غذای کسانی که کل ساعات روز را به موج‌سواری و تفریح می‌گذرانند فراهم کند (رالز، ۱۹۹۳: ۱۸۲).^۶ فان پاریس^۷ از طرفداران درآمد پایه همگانی با این دیدگاه رالز مخالف است (فان پاریس، ۱۹۹۵).

۲-۳. سازوکارهای پرداخت یارانه متصل به نظام مالیاتی

۱-۲-۳. درآمد پایه همگانی همراه با مالیات هموار

در این پیشنهاد درآمد پایه همگانی به صورت اعتبار مالیاتی و پس از اخذ مالیات بر درآمد هموار^۸ اعطا می‌شود. به طوری که مالیات بر مجموع درآمد با نرخ واحد، جایگزین نظام پیچیده مالیاتی کنونی و درآمد پایه همگانی جایگزین نظام حمایتی فعلی می‌شود. طبق این الگوی پیشنهادی، درآمد پایه به صورت نقدی پرداخت نمی‌شود، بلکه به صورت اعتبار مالیاتی بر گشت پذیر (قابل استرداد)^۹ به همگان تعلق می‌گیرد یعنی مقدار درآمد پایه از بدهی مالیاتی افراد کاسته می‌شود. معافیت پایه (هزینه‌های قابل قبول)^{۱۰} و اعتبارات مالیاتی بر گشت‌ناپذیر^{۱۱} در مالیات بر درآمد، بر رفاه کارگران و افراد کم‌درآمد تأثیر چندانی ندارد، زیرا این مبلغ به آنها باز پرداخت^{۱۲} نمی‌شود، اما در این طرح، باز پرداخت نیز وجود دارد، لذا دهک‌های درآمدی پایین‌تر نفع بیشتری می‌برند. مالیات هموار به این معناست که نرخ مالیات برای سطوح درآمدی مختلف، ثابت است. به عبارت دیگر نرخ‌های مالیاتی، تصاعدی^{۱۳} و تنازلی^{۱۴} نیست، بلکه تناسبی^{۱۵} است (اتکینسون، ۱۹۹۵). در جدول ۱۱ و نمودار ۲ نحوه تأثیر «مالیات هموار همراه با درآمد پایه» بر درآمد افراد مشاهده می‌شود.

این صندوق‌ها بخشی از سود سالیانه خود را به مردم یا تولیدکنندگان اختصاص می‌دهند. ارزش صندوق نفت کویت امروزه به سه برابر تولید ناخالص داخلی این کشور رسیده است. می‌توان سود سهام صندوق را به صورت ماهیانه، سالیانه و یا یک‌بار در طول عمر هر فرد پرداخت کرد. طول عمر افراد متفاوت است و افرادی که کمتر عمر می‌کنند کمتر از یارانه دولت استفاده می‌کنند، لذا برای رعایت عدالت افقی با در نظر گرفتن کل طول عمر افراد پیشنهاد شده است که کل یارانه به صورت یکجا (یک‌بار در طول عمر) به مردم پرداخت شود. در صورتی که سود سهام به صورت ماهیانه یا سالیانه پرداخت شود، این طرح به درآمد پایه همگانی شباهت پیدا می‌کند، اما در صورتی که سود سهام به صورت یکجا و یک‌بار در طول عمر هر فرد به او پرداخت شود به این سازوکار کمک‌هزینه همگانی یا حداقل ارث گفته می‌شود.

۳-۱-۳. درآمد مشارکت^۱

درآمد مشارکت شباهت زیادی به درآمد پایه همگانی دارد با این تفاوت که درآمد پایه به همه شهروندان پرداخت می‌شود در حالی که درآمد مشارکت فقط به مشارکت‌کنندگان در اقتصاد ملی تعلق می‌گیرد. شرط لازم برای دریافت درآمد مشارکت، «مشارکت» در اقتصاد است. برای احراز شرط مشارکت صرفاً اشتغال به کار مزدی^۲ ضرورت ندارد، بلکه اشتغال به هر فعالیت مفید اجتماعی (هر چند دستمزدی نداشته باشد) شرط مشارکت را تأمین می‌کند. برای مثال نگهداری از کودکان و سالمندان در منزل که نوعی کار داخلی^۳ است یا فعالیت در خیریه‌ها و گروه‌های داوطلب و کمک‌رسانی به محرومین که نوعی کار داوطلبانه^۴ است نیز به عنوان مشارکت تلقی می‌شود و لذا افراد مشغول به این فعالیت‌ها مشمول مزایای درآمد مشارکت می‌شوند. درآمد پایه یک پرداخت کاملاً نامشروط است و در انتهای طیف قرار دارد. در سوی دیگر این طیف پرداخت‌های مشروط و مبتنی بر آزمون استطاعت قرار دارند. درآمد مشارکت بین دو سر این طیف قرار دارد (ویسپلاره و

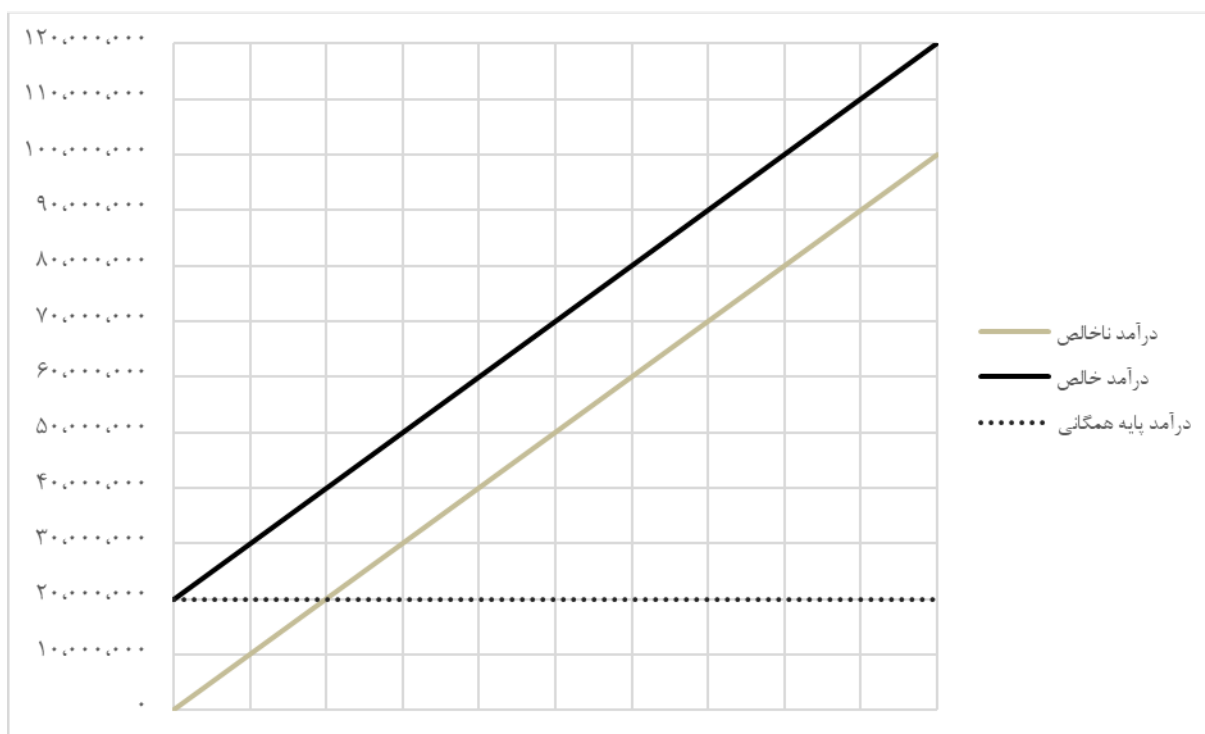
1. Participation Income
2. Remunerated Work
3. Domestic Work
4. Voluntary Work
5. Wispelaere & Stirton
6. Rawls
7. Van Parijs
8. Flat Rate Income Tax
9. Refundable Tax Credit
10. Deductions and Allowances
11. Tax Credit
12. Refund or Rebate
13. Progressive
14. Regressive
15. Proportional

جدول ۱۱. درآمد خالص با اعمال مالیات هموار و درآمد پایه همگانی

درآمد ناخالص	نرخ مالیات هموار	بدهی مالیاتی اولیه	درآمد پس از کسر مالیات	درآمد پایه همگانی	درآمد خالص
۰	٪ ۲۰	۰	۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۲,۰۰۰,۰۰۰	٪ ۲۰	۴۰۰,۰۰۰	۱,۶۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۱,۶۰۰,۰۰۰
۵,۰۰۰,۰۰۰	٪ ۲۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴,۰۰۰,۰۰۰
۱۰,۰۰۰,۰۰۰	٪ ۲۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	۸,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۸,۰۰۰,۰۰۰
۲۰,۰۰۰,۰۰۰	٪ ۲۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۶,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۶,۰۰۰,۰۰۰
۵۰,۰۰۰,۰۰۰	٪ ۲۰	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪ ۲۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪ ۲۰	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰

مأخذ: محاسبات گزارش (تمامی ارقام به ریال است).

نمودار ۲. درآمد خالص با اعمال مالیات هموار و درآمد پایه همگانی

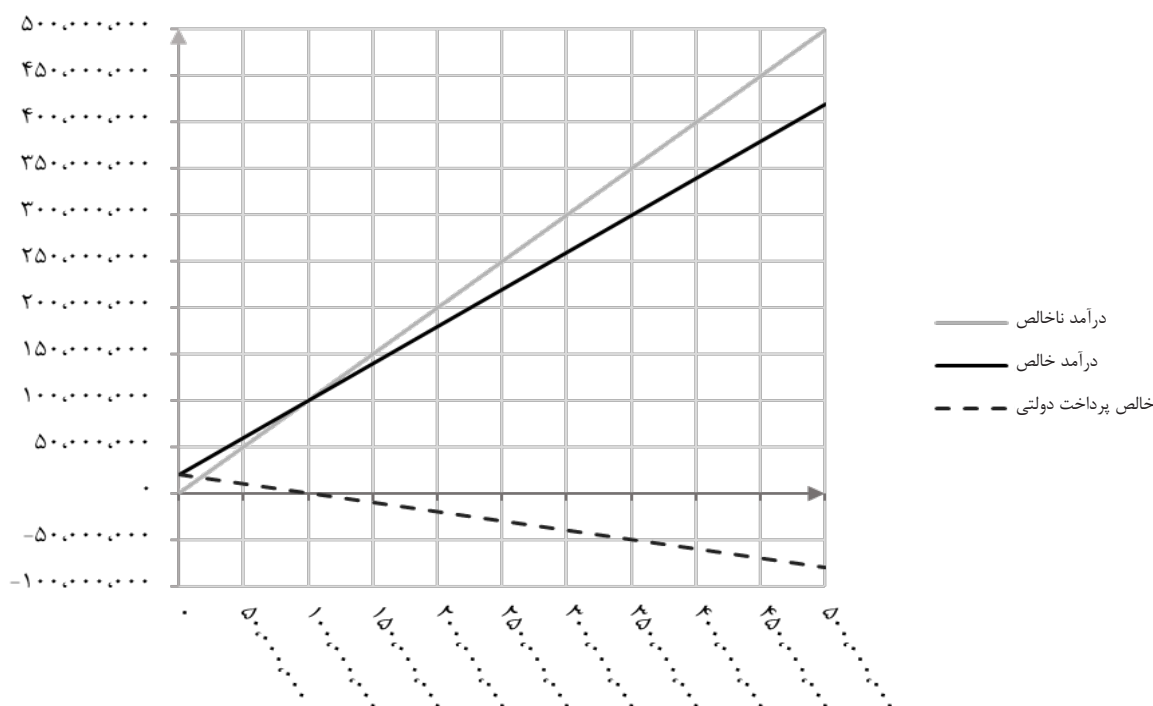


۲-۲-۳. مالیات بر درآمد منفی^۱

در حالتی که تلاشی هر چند اندک دارد بهتر از حالتی که هیچ تلاشی برای بهبود وضعیت خود ندارد باشد تا فرد انگیزه برای کار کردن پیدا کند. پس از مدتی کسب و کار شما رونق می‌گیرد و شما موفق به تأسیس مغازه کوچکی می‌شوید. درآمد ناخالص شما مقداری افزایش می‌یابد (نقطه ه) و به حد قابل قبول می‌رسد. در این صورت شما دیگر مستحق دریافت مالیات بر درآمد منفی شناخته نمی‌شوید و در مقابل مالیاتی هم نمی‌پردازید. با گذشت زمان فروشگاه شما شهرت پیدا می‌کند و درآمد ناخالص شما باز هم افزایش پیدا می‌کند (نقطه و) در اینجا شما باید مالیات مثبت بر درآمد پرداخت کنید. درآمد خالص شما (نقطه ز) کمتر از درآمد ناخالص شما (نقطه و) خواهد بود. از این پس هر چقدر درآمد شما افزایش یابد درصدی از آن را باید به‌عنوان مالیات به دولت پرداخت کنید (فیتزپتریک، ۱۹۹۹: ۸۸-۹۰).

مالیات بر درآمد منفی پیشنهادی است که هزینه نسبتاً کمتری برای دولت دارد و پرداخت خود را فقط شامل حال فقرا می‌کند. برای درک ساز و کار این طرح فرض کنید شما به وضعیتی دچار شده‌اید که هیچ درآمد و سرمایه‌ای ندارید (نقطه الف در نمودار ۳)، اما از آنجا که در اقتصاد کشور شما طرح مالیات بر درآمد منفی اجرا می‌شود، مستحق دریافت مالیات بر درآمد منفی به اندازه رفع نیازهای حداقلی زندگی می‌شوید تا درآمد خالص شما به خط فقر (نقطه ب) برسد. اگر بتوانید کسب و کار کوچکی راه بیندازید و از طریق آن درآمد ناچیزی کسب کنید (نقطه ج)، درآمد ناخالصتان افزایش می‌یابد، اما کمک مالی دولت مقداری کاهش می‌یابد تا درآمد خالص شما به سطحی بالاتر از خط فقر و همچنین بالاتر از درآمد خالص در حالت قبل (نقطه د) قرار بگیرید. منطقی است که باید نظام یارانه طوری طراحی شود که وضعیت فرد

نمودار ۳. درآمد ناخالص و خالص در طرح مالیات بر درآمد منفی



این طرح را پیشنهاد کند این بود که برخی طرح‌های پیشنهادی قبل از او اثر منفی بر انگیزه نیروی کار می‌گذاشتند و عرضه نیروی کار را کاهش می‌دادند اما مالیات بر درآمد منفی چنین اثر منفی بر انگیزه نیروی کار نداشت. مزایای بیمه‌های بیکاری به‌محض اینکه فرد مشغول به کار شود (حتی اگر کار، پاره‌وقت و دارای درآمد اندکی باشد)، به‌صورت کامل قطع

برای اولین بار آگوستین کورنو^۲ (۱۸۰۱ م-۱۸۷۷ م) به مفهوم و لفظ مالیات بر درآمد منفی اشاره کرد، اما ایده او چندان مورد اقبال قرار نگرفت تا زمانی که میلتون فریدمن^۳ در کتاب سرمایه‌داری و آزادی مجدداً آن را مطرح کرده و در نوشته‌ها و سخنرانی‌های مختلف به دفاع از آن برخاست. (فان پاریس و وندربرگ، ۲۰۱۷: ۳۲-۴۰) یکی از دلایلی که باعث شد او

1. Negative Income Tax
2. Augustin Cournot
3. Milton Friedman

کاسته شود، درآمد خالص فرد ثابت می‌ماند و به این وسیله فرد بین کار کردن و بیکاری بی تفاوت می‌شود، زیرا در هر صورت (چه فرد به کار خود ادامه دهد و چه کار را ترک کند) درآمد خالص یکسانی را کسب می‌کند، اما در این پیشنهاد با افزایش ساعت کاری فرد به درآمد خالص او افزوده می‌شود، لذا اثر ضد انگیزشی کمتری بر نیروی کار دارد (فریدمن، ۲۰۰۹، ۱۹۰-۱۹۵).
طبق نمودارهای ۳ و ۴، پرداخت نقدی در این طرح فقط به فقرا صورت می‌پذیرد و فرد با درآمد صفر، به سطح حداقلی تعیین شده می‌رسد و فرد شاغل دارای درآمد اندک در سطحی بالاتر از فرد اول که هیچ تلاشی نکرده، قرار می‌گیرد. افراد دارای درآمد متوسط مشمول مالیات و مزایا نمی‌شوند، اما افراد دارای درآمدهای بالاتر، مشمول مالیات بر درآمد شده، بنابراین درآمد خالصشان کمتر از درآمد ناخالصشان می‌شود. در صورتی که نرخ مالیات (T) ۲۰٪ و آستانه معافیت (مالیات صفر) (E) ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال باشد پرداخت انتقالی به افراد با درآمد صفر، برابر با حاصل ضرب این دو یعنی ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال خواهد بود.^۳ بر این اساس سطوح درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی مطابق با **جدول ۴ و نمودار ۵** است:

می‌شود؛ بنابراین اثر انگیزشی منفی بر نیروی کار دارد. برخی دیگر از بیمه‌های بیکاری و طرح‌های حمایتی^۱ نیز ما به التفاوت درآمد فرد تا سطح حداقلی را به او می‌دهند و به این وسیله فرد را بین دو گزینه بیکاری و اشتغال بی تفاوت می‌کنند، زیرا حداقل درآمد تضمین شده ثابت بوده و با افزایش تلاش فرد دقیقاً به میزان دستمزد کسب شده از پرداخت انتقالی دولت (بیمه) کاسته می‌شود و دستمزد خالص در دو حالت یکسان است. با عنایت به آثار ضد انگیزشی این طرح‌ها، فریدمن پیشنهاد «مالیات بر درآمد منفی»^۲ را مطرح کرد که شامل اخذ مالیات مثبت از پردرآمدها و مالیات منفی (پرداخت یارانه نقدی) به کم‌درآمدهاست.
در نظام‌های مالیات بر درآمد متداول هزینه‌های قابل قبول و معافیت‌ها به عنوان یارانه یا مالیات منفی به فقرا پرداخت نمی‌شود، اما در مالیات بر درآمد منفی به افراد زیر نقطه کفاف درآمدی (نقطه‌هدر مثال قبل) به میزان کسری از فاصله درآمد آنها تا خط کفاف، پرداخت نقدی صورت می‌پذیرد. میزان پرداخت انتقالی با دستمزد رابطه عکس دارد؛ یعنی هرچه دستمزد بیشتر شود میزان پرداخت انتقالی کم می‌شود تا به صفر برسد. بدیهی است اگر به همان میزان که به دستمزد فرد افزوده می‌شود از پرداخت انتقالی

جدول ۱۲. درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی

درآمد قبل از مالیات (درآمد ناخالص) (y)	نرخ مالیات (τ)	(1 - τ)	اعتبار پایه (τe)	درآمد بعد از مالیات (درآمد خالص) $Z = (1 - \tau)y + \tau e$	بدهی مالیاتی $t = \tau(y - e)$
۰	۰.۱۴	۰.۶	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	-۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۰.۱۴	۰.۶	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۶,۰۰۰,۰۰۰	-۱۶,۰۰۰,۰۰۰
۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۰.۱۴	۰.۶	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۲,۰۰۰,۰۰۰	-۱۲,۰۰۰,۰۰۰
۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۰.۱۴	۰.۶	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۰
۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۰.۱۴	۰.۶	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰

مأخذ: همان.

۱. این طرح با نام‌های تضمین حداقل درآمد مبتنی بر آزمون استطاعت (Means-tested Minimum Income Scheme) و حداقل درآمد تضمین شده (Guaranteed Minimum Income) نامیده می‌شود.

۲. Negative Income Tax (NIT)

۳. به‌طور کلی درآمد خالص فرد، با فرض وجود مالیات بر درآمد منفی، از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$Z = y - t \quad (1)$$

مالیات پرداختنی: t ؛ درآمد ناخالص (قبل از مالیات): y ؛ درآمد خالص (بعد از مالیات): Z ؛

با توجه به اینکه در نظام مالیات بر درآمد منفی، معافیت پایه مالیاتی (E) وجود دارد، درآمد مالیات‌پذیر از درآمد خالص (Y) کمتر است یعنی مالیات پرداختنی (t) از فرمول زیر به دست

$$t = T(y - e) \quad (2)$$

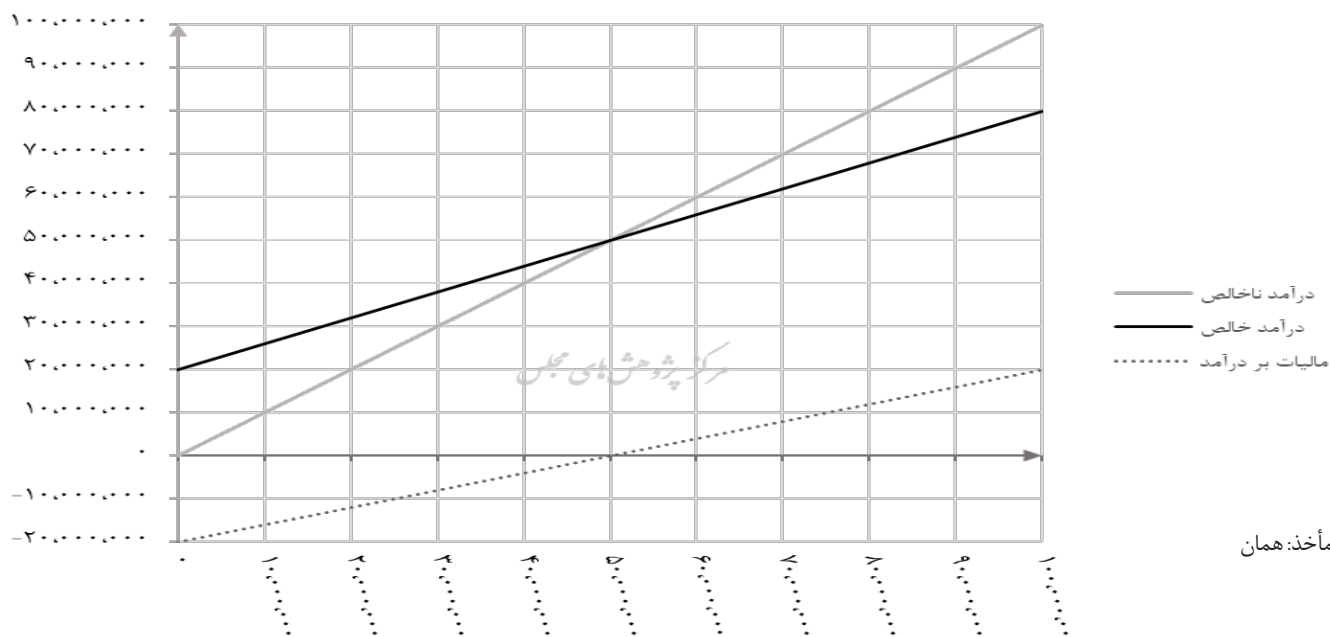
معافیت مالیاتی پایه: e ؛ درآمد ناخالص (قبل از مالیات): y ؛ نرخ مالیات: T ؛ مالیات پرداختنی: t ؛

با جایگذاری فرمول مالیات پرداختنی (۲) در فرمول (۱) داریم:

$$Z = y - t = y - T(y - e) = y - Ty + Te = (1 - T)y + Te \quad (3)$$

فرمول (۳) رابطه درآمد قبل از مالیات (Y) با درآمد بعد از مالیات یا درآمد خالص (Z) را نشان می‌دهد. عرض از مبدأ Te است یعنی وقتی درآمد قبل از مالیات فرد صفر است درآمد پس از مالیات Te است. به عبارت دیگر به فردی که هیچ درآمدی ندارد به میزان Te مالیات بر درآمد منفی پرداخت می‌شود.
در رابطه فوق شیب یعنی ضریب (Y) برابر با $(1-T)$ است یعنی یک واحد افزایش در درآمد ناخالص، درآمد خالص را به میزان $(1-T)$ واحد افزایش می‌دهد.

نمودار ۴. درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی



۴-۲-۳. سایر اعتبارات مالیاتی محدود

سیاستگذار می‌تواند برای حمایت از گروه‌های هدف مورد نظر خود اعتبارات مالیاتی خاصی برای آنها قرار دهد. در نظر گرفتن یک هزینه به‌عنوان اعتبار مالیاتی به این معناست که دولت متکفل آن هزینه می‌شود؛ مثلاً اگر مخارج آموزشی به این معنای اعتبار مالیاتی در نظر گرفته شود به این معناست که فرد هر هزینه‌ای در زمینه آموزش انجام دهد در انتهای سال دولت به میزان اعتبار مالیاتی در نظر گرفته شده برای آموزش از بدهی مالیاتی او کسر می‌کند؛ به تعبیری دولت هزینه آموزش وی را پرداخته است. اعتبارات خاص بر خلاف اعتبار پایه شامل همه شهروندان نمی‌شود و صرفاً افرادی که مخارج خاصی داشته باشند یا حائز شرایط ویژه مورد نظر قانونگذار باشند می‌توانند از این اعتبارات مالیاتی استفاده کنند.

اعتبار مالیاتی برای همسر و فرزندان یکی از انواع اعتبارات مالیاتی است که به خانوارهای دارای فرزند تعلق می‌گیرد. البته اکثر کشورهای دارای این نوع اعتبار مالیاتی، آن را به صورت غیر برگشت پذیر در نظر گرفته‌اند که صرفاً بدهی مالیاتی را کاهش می‌دهد و بازپرداختی در آن صورت نمی‌گیرد. از دیگر اعتبارات مالیاتی رایج، اعتبار مالیاتی درمان است. اساساً برای تشویق به یک رفتار خاص و یا کاهش بار هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر مثل هزینه‌های درمانی می‌توان از اعتبار مالیاتی استفاده کرد. تعدد این اعتبارات نظام مالیاتی را پیچیده می‌کند و برای دولت و مؤدیان هزینه‌آفرین است، لذا ضروری است سیاستگذار از افراط در وضع اعتبارهای مالیاتی پرهیز کند.

نتیجه نهایی یعنی تغییرات درآمد در طرح پیشنهادی اتکینسون در سال ۱۹۹۵ (درآمد پایه همگانی همراه با مالیات بر درآمد با نرخ هموار و بدون وجود معافیت مالیاتی) معادل مالیات بر درآمد منفی است و تنها تفاوت این دو (پیشنهاد اتکینسون و مالیات بر درآمد منفی) در نحوه بیان و تفسیر آن است (فان پاریس و وندربورگ، ۲۰۱۷: ۳۲). با مقایسه **نمودارهای ۳ و ۴** به راحتی می‌توان متوجه شد اثر این دو طرح بر درآمد خالص افراد یکسان است و تنها نحوه توصیف و تفسیر آن تفاوت دارد؛ علاوه بر این استفاده از ریاضیات و توجه به فرمول‌های محاسبه نیز مؤید برابری این دو طرح است.

۴-۲-۳. اعتبار مالیاتی درآمد کار^۱

این اعتبار مالیاتی برای ارتقای درآمد مزدبگیران طراحی شده است. افرادی که درآمد ناشی از کار داشته باشند در صورتی که درآمد آنها از آستانه مشخصی کمتر باشد با توجه به تعداد فرزندان تحت تکفل از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر برخوردار می‌شوند. این نوع اعتبار مالیاتی افراد را هم به فرزنددار شدن و هم به کسب درآمد کار یا به عبارتی عرضه نیروی کار تشویق می‌کند، زیرا افراد بیکار نمی‌توانند از این اعتبار مالیاتی استفاده کنند و افراد بدون فرزند هم مقدار بسیار ناچیزی دریافت می‌کنند. در بخش تجربیات سایر کشورها به تفصیل به اعتبار مالیاتی درآمد کار آمریکا پرداخته خواهد شد.

1. Earned Income Tax Credit (EITC)

[۴. تجربه سایر کشورها]

۱-۴. ایالت آلاسکای آمریکا: صندوق دائمی آلاسکا - درآمد پایه همگانی

پس از کشف یک میدان نفتی عظیم در خلیج پرودهو در ایالت آلاسکای آمریکا در سال ۱۹۷۶ برای انتقال بخشی از درآمد این میدان به نسل‌های آینده، متممی بر قانون اساسی این ایالت به تصویب رسید که به موجب آن مقرر شد صندوقی دائمی تشکیل و حداقل ۲۵ درصد درآمدهای نفتی به این صندوق واریز شود تا نسل‌های آینده که درآمد نفتی در اختیار ندارند از درآمد فروش نفت این میدان بهره‌مند شوند. سود سهام اجتماعی صندوق دائمی^۲ به بازدهی پنج‌ساله صندوق بستگی دارد و به همه شهروندان مقیم این ایالت پرداخت می‌شود. در ده سال اخیر بین ۸۷۸ تا ۲۰۷۲ دلار در سال به هر فرد پرداخت شده است (State of Alaska, ۲۰۲۱). این پرداختی به صورت درآمد پایه همگانی بوده است یعنی شامل همه شهروندان شده است (گلداسمیت، ۲۰۱۰).^۳

۲-۴. انگلستان: اعتبار همگانی

پرداخت‌های انتقالی دولت به نیازمندان در انگلستان شامل ۶ طرح اصلی است: مزایای جویندگان کار،^۴ برنامه حمایت درآمدی،^۵ مزایای حمایت و اشتغال،^۶ مزایای مسکن،^۷ اعتبار مالیاتی فرزندان^۸ و اعتبار مالیاتی کار.^۹ بعضی از این طرح‌ها دارای قوانین بسیار مفصل و فرایند اجرایی پیچیده‌ای هستند که برای مردم و دولت هزینه و پیچیدگی ایجاد می‌کند (اسپیکر، ۲۰۱۲).^{۱۰}

برای اطمینان از برخورداری کودکان از تغذیه، بهداشت و آموزش مناسب و همچنین تشویق فرزندآوری، به‌ازای کودکان زیر ۱۶ سال کمک‌هزینه ماهیانه به والدین آنها پرداخت می‌شود. مشابه این کمک در کشورهای کانادا، ژاپن، فنلاند و استرالیا نیز پرداخت می‌شود. در غالب کشورها مبلغ کمک‌هزینه پرداختی با افزایش درآمد، کاهش و با افزایش تعداد فرزندان، افزایش می‌یابد. در انگلستان به‌ازای فرزند اول تا ۱۶ سالگی ماهیانه ۵۴/۲ پوند و به‌ازای فرزند دوم به بعد تا ۱۶ سالگی ماهیانه ۸۲ پوند پرداخت می‌شود. در صورت ادامه تحصیل فرزند، پرداخت این مزایا تا

۱۸ سالگی تمدید می‌شود. در سوئد ساختار نرخ‌ها صعودی است به این معنا که فرزند دوم بیشتر از فرزند اول، مبلغ مزایا را افزایش می‌دهد، اما در انگلستان برای فرزند اول مزایای بیشتری در نظر گرفته شده است و برای فرزند دوم به بعد کمتر از فرزند اول مزایا را افزایش می‌دهند. تا سال ۲۰۱۰ افزایش درآمد ناشی از دریافت این مزایا، خانوارهای انگلیسی را در بازه‌های بالاتر نرخ مالیات بر درآمد قرار می‌داد تا آنکه دولت اعلام کرد از این پس، این مبلغ را جزو معافیت‌های مالیاتی محاسبه می‌کند. انتقادهای زیاد علیه مزایای کودکان و سایر مزایای مبتنی بر آزمون استطاعت در انگلستان دولت را وادار به ایجاد یک تحول اساسی در این نظام در سال ۲۰۱۲ کرد. هدف اصلی این اصلاح ساده‌سازی و شخصی‌سازی مزایا عنوان شد (اسپیکر، ۲۰۱۲).^{۱۱} به‌طور کلی مزایای هدفمند و مبتنی بر آزمون استطاعت درآمد در انگلستان در دستیابی به نرخ پوشش ۱۰۰ درصد شکست خوردند. گروه قابل توجهی از افراد حائز شرایط دریافت مزایای کودکان نتوانستند آن را مطالبه کنند. در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۰ تخمین نرخ دریافت^{۱۲} اعتبار مالیاتی کودکان در انگلستان ۸۳ درصد بود؛ این بدان معناست که ۱/۲ میلیون خانواده واجد شرایط از این برنامه منتفع نمی‌شوند. عدم مطالبه مزایا^{۱۳} با وجود افزایش تلاش برای آگاه کردن مردم از مزایا هنوز ادامه دارد. عدم مطالبه ممکن است به دلیل اطلاعات ناکافی و یا سوء تفاهم باشد. ممکن است افراد به‌خاطر اینکه قبلاً یک بار رد شده‌اند، بر این باور باشند که فاقد شرایط لازم هستند، در حالی که شرایط استحقاق یا وضعیت مستحق‌ها به‌گونه‌ای تغییر کرده باشد که آنها را مستحق دریافت کند. پیچیدگی ذاتی آزمون استطاعت موانعی برای مطالبه ایجاد می‌کند. فرایند پر کردن فرم‌ها به خصوص برای افراد کم‌سواد (از جمله سواد رایانه) با مشکلاتی همراه است. فرم مورد نیاز برای دریافت اعتبار مالیاتی کودکان انگلستان در سال ۲۰۱۳ ده صفحه طولانی بود که ۱۸ صفحه یادداشت نحوه پر کردن آن را توضیح می‌داد. دلیل دیگری که عدم دریافت را در پی دارد حس حقارت همراه با دریافت مزایای مبتنی بر آزمون استطاعت است.

در سال ۲۰۱۲ دولت انگلستان اعتبار جامع^{۱۴} را به‌عنوان جایگزین ۶

1. The Alaska Permanent Fund
2. Permanent Fund Dividend (PFD)
3. Goldsmith0
4. Jobseeker's Allowance
5. Income Support
6. Employment and Support Allowance
7. Housing Benefit
8. Child Tax Credit
9. Working Tax Credit
10. Spicker
11. Spicker
13. Non Take up
14. Universal Credit

۱۲. درصد افراد واجد شرایط که مزایا را دریافت می‌کنند (Take up Rate).



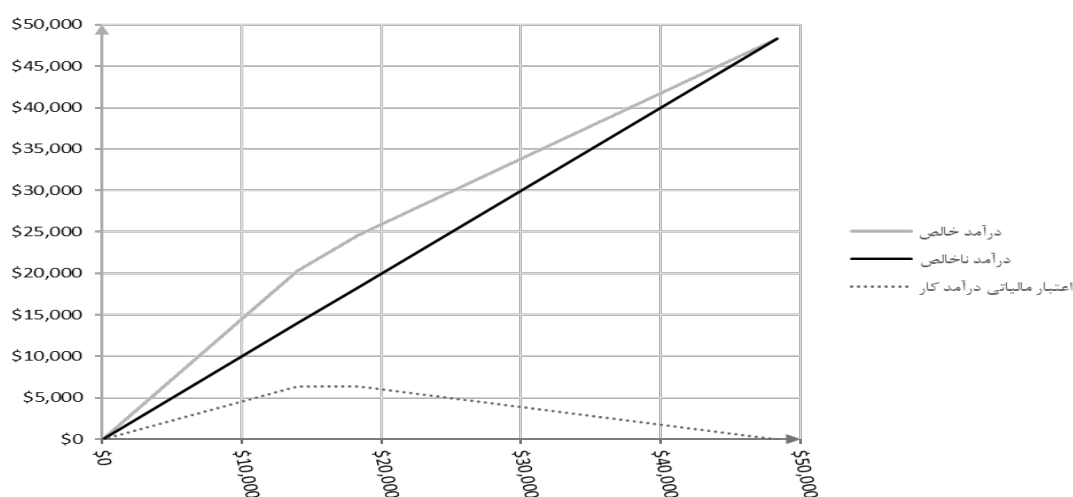
توجه به تعداد افراد تحت تکفل و میزان درآمد ناشی از کار، از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر (قابل استرداد) برخوردار می‌شوند، یعنی مالیات کمتری می‌پردازند یا حتی ممکن است یارانه دریافت کنند. زوج‌های بدون فرزندی که کمتر از ۲۱,۰۰۰ دلار و خانواده‌های دارای فرزندی که کمتر از ۴۱,۰۰۰ تا ۵۶,۰۰۰ دلار درآمد ناشی از کار داشته باشند، واجد شرایط لازم برای بهره‌مندی از مزایای این طرح می‌شوند. تعداد فرزندان میزان اعتبار مالیاتی را افزایش می‌دهد. خانوارهای بدون درآمد هیچ مزایایی دریافت نمی‌کنند. با افزایش درآمد ناشی از کار، خانوار مستحق دریافت مزایا می‌شود و پس از گذشتن از حد مشخصی اگر درآمد همچنان افزایش پیدا کند از میزان مزایا کاسته می‌شود؛ بنابراین این طرح یک طرح مشوق کار محسوب می‌شود. اگر خانوارهای با درآمد صفر مستحق دریافت مزایا شمرده می‌شدند امکان داشت افراد توانمند عرضه نیروی کار خود را کاهش داده و با تکیه بر پرداخت نقدی دولت امرار معاش کنند اما با وجود شرط دریافت دستمزد برای بهره‌مندی از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر، چنین افرادی مجبور به تلاش برای کسب درآمد می‌شوند. در نمودار ۵ درآمد خالص با وضع اعتبار مالیاتی درآمد کار به‌طور فرضی و در نمودار ۶ مبلغ پرداختی به‌ازای تعداد فرزندان و سطح درآمد به‌طور دقیق نشان داده شده است.

برنامه رفاهی سابق مطرح کرد و این حق انتخاب را به شهروندان داد که یکی از این دو (اعتبار جامع یا ۶ طرح قبلی) را انتخاب کنند. در صورتی که فرد یکی از ۶ برنامه رفاهی قدیمی را انتخاب کند نمی‌تواند اعتبار جامع را دریافت کند و در صورتی که اعتبار جامع را انتخاب کند باید از دریافت مزایای ۶ طرح مذکور صرف‌نظر کند. اعتبار جامع به شاغلین کم‌درآمد و افراد جویای کار تعلق می‌گیرد بنابراین انتظار می‌رود اثر ضدانگیزشی بر نیروی کار نداشته باشد. میزان این اعتبار مالیاتی براساس تعداد اعضای خانواده و نوع مسکن و وضعیت سلامت و معلولیت تعیین می‌شود. سازوکار اعتبار جامع ساده‌تر از اعتبار مالیاتی کودکان و سایر طرح‌های قبلی است و هزینه‌های اجرایی کمتری دارد. این طرح نسبت به ۶ طرح قبلی از حساسیت بالاتری برخوردار است به این معنا که به‌سرعت به کاهش درآمد خانوار واکنش نشان داده و مزایا را به خانوار فقیر پرداخت می‌کند و برعکس خانوار مشمول مزایا که به تازگی متمکن شده را به‌سرعت خارج می‌کند (اسپیکر، ۲۰۱۲) و (لاکانی، ۲۰۱۲)^۱

۳-۴. آمریکا: اعتبار مالیاتی درآمد کار (EITC)^۲

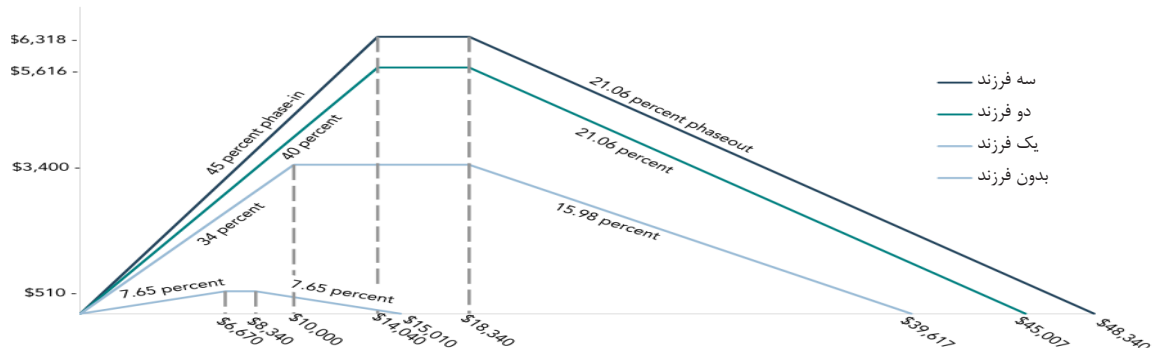
این طرح در سال ۱۹۷۵ در آمریکا تصویب شد و به موجب آن مالیات‌دهندگان کم‌درآمد که درآمد ناشی از کار داشته باشند، با

نمودار ۵. درآمد خالص خانوار ۵ نفره در طرح اعتبار مالیاتی در آمد اکتسابی



1. Lakhani
2. Earned Income Tax Credit
3. Refundable Tax Credit

نمودار ۶. میزان اعتبار مالیاتی در آمد اکتسابی بر اساس تعداد فرزندان و سطح درآمد



مأخذ: گزارش مؤلفه‌های اصلی نظام مالیاتی ایالات متحده، تهیه شده توسط مؤسسه Urban و Brookings.

۴-۴. ترکیه: کمک‌های اجتماعی^۱ یا پرداخت‌های هدفمند غیرمشارکتی^۲

برنامه‌های تور ایمنی ترکیه شامل یارانه‌ها یا پرداخت‌های نقدی هدفمند غیرمشارکتی می‌شوند که در سال‌های اخیر نقش قابل توجهی در کاهش فقر و نابرابری این کشور داشته‌اند. کل مخارج این طرح حدود ۱ درصد تولید ناخالص ملی برآورد شده است. ترکیه در سال ۲۰۱۱ نظام تأمین اجتماعی خود را متحول ساخت. تا پیش از آن نهادهای متعدد عهده‌دار وظیفه تأمین اجتماعی بودند و این چند پارگی، بیکاران، یتیمان، از کارافتادگان، زنان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر را به سمت اتکا به سایر قالب‌های حمایت غیررسمی سوق داده بود. تکثر تعداد عاملان و نهادهای درگیر، تعداد محیط‌های تصمیم‌گیری در سطح خرد را افزایش داده و مشکلات هماهنگی، تنظیم و بازرسی ایجاد کرده بود.

برای حل این مسائل و بهبود سازوکار هدفمندی و کاهش نشتی‌های نظام حمایتی (خطای عدم شمول)، دولت در سال ۲۰۱۱ چارچوب نهادی را تقویت و تور ایمنی جامعی ایجاد کرد. مسئولیت کلیه حمایت‌ها در وزارت جدید التأسيس خانواده، کار و خدمات اجتماعی تجمیع شد. سازوکارهای هدفمندی و سامانه‌های اطلاعاتی بهبود یافت و تفاوت‌های منطقه‌ای نیز در نظر گرفته شد. پایگاه‌های اطلاعاتی ۱۴ وزارتخانه در سامانه اطلاعاتی جدید تجمیع شد: اطلاعات شغلی و درآمدی از سازمان تأمین اجتماعی و مالکیت و اجاره زمین از وزارت

کشاورزی و....

وزارت خانواده، کار و خدمات اجتماعی عهده‌دار حمایت‌های غیربیمه‌ای شد که پرداخت مشروط بر اساس آزمون استطاعت را شامل می‌شود. به دلیل غیربیمه‌ای بودن، این پرداخت‌ها غیرمشارکتی نامیده شده است. حمایت‌های نقدی مشروط به دانش‌آموزان کم بضاعت، زنان باردار و سرپرست خانواده تعلق می‌گیرد. کمک‌های غذایی، سوخت رایگان، کمک هزینه تعمیر خانه و طرح مسکن اجتماعی برای خانوارهای کم درآمد در نظر گرفته شده است. گسترده‌ترین برنامه که حدود ۹/۵ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داده است بیمه سلامت همگانی است که خانواده‌های کم‌درآمد و فاقد تأمین اجتماعی را در برمی‌گیرد. معیار کم‌درآمد و فقیر در تمامی طرح‌های فوق، درآمد سرانه اعضای خانواده است؛ اگر درآمد کل خانواده تقسیم بر تعداد اعضای خانواده کمتر از یک سوم حداقل دستمزد (۲۶۷ لیر) باشد چنین خانواده‌ای کم‌درآمد شمرده می‌شود و کل حق بیمه سلامت همگانی اعضای آن را دولت می‌پردازد. بخشی از حق بیمه سلامت خانواده‌های با درآمد متوسط نیز توسط دولت پرداخت می‌شود، اما خانواده‌هایی که درآمد سرانه آنها بیش از دو برابر حداقل دستمزد (۱۷۷۳ لیر) باشد کل حق بیمه خود را می‌پردازند و دولت کمکی به آنها نمی‌کند (کمیته دائمی همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۰۱۳).

1. Social Assistance

2. Targeted Non-contributory Programs



[جمع‌بندی و نتیجه‌گیری]

خانوارهای کم‌درآمد و هدفمندسازی یارانه‌ها، نقش مؤثری داشته باشد. همچنین در بستر مالیات بر مجموع درآمد می‌توان از ابزارهایی که به اتصال مؤثرتر نظام حمایتی به نظام مالیاتی منجر شود مانند اعتبار مالیاتی استفاده کرد. البته تعیین میزان اعتبارهای مالیاتی و نحوه بازپرداخت آنها، نیازمند مطالعات گسترده‌تری است. اما در هر صورت استفاده از اطلاعات نظام مالیاتی و اظهارنامه‌های مالیات بر مجموع درآمد در راستای ارتباط نظام مالیاتی و یارانه‌ای و در مرحله بعد استفاده از شیوه‌های نوین اتصال نظام مالیاتی و حمایتی مانند اعتبار مالیاتی، مالیات بر درآمد منفی، اعتبار مالیاتی درآمد کار و... می‌توانند علاوه بر هدفمند و اثربخش‌تر کردن سیاست‌های حمایتی، سیاستگذار را در رسیدن به سایر اهداف سیاستی کمک کنند.

در این گزارش سعی شد تا انواع سازوکارهای رایج برای اتصال نظام مالیاتی به نظام حمایتی بررسی شود. همچنین مواردی از تجربیات جهانی در این حوزه ذکر شود. یکی از آسیب‌های نظام پرداخت یارانه در ایران، عدم ارتباط آن با نظام مالیاتی است. در حالی که در بسیاری از کشورهای بررسی شده، علاوه بر آنکه منابع نظام حمایتی از طریق مالیات‌ستانی تأمین می‌شود، اظهارنامه‌های مالیاتی نقشی اساسی در تشخیص گروه هدف سیاست‌های حمایتی (خانوارهای کم‌درآمد) ایفا می‌کنند. زیرا اطلاعات مالیاتی اصلی‌ترین منبع برای شناسایی درآمد خانوار است. در کشور ما، عدم ارتباط نظام حمایتی با نظام مالیاتی موجب شده است تا یارانه‌ها نقش بازتوزیعی ناچیزی داشته باشند و تقریباً به شکل برابر بین همه خانوارها توزیع شوند. پیاده‌سازی نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند در شناسایی

[منابع و مأخذ]

10. Maag E. (2017). Refundable Credits: The Earned Income Tax Credit and the Child Tax Credit. Washington, DC: The Tax Policy Center.
11. Rawls, J. (1993). Political Liberalism. New York: Columbia University Press.
- Spicker, P. (2012). Universal Credit: Simplification or personalisation?. *Local Economy*, 27, 10.1177/0269094212444575.
- State of Alaska (2021). www.pfd.alaska.gov. Accessed July 24, 2021.
12. Van Parijs, P. (1991). Why Surfers Should be Fed: The Liberal Case for an Unconditional Basic Income. *Philosophy & Public Affairs*, 20(2), 101-131. Retrieved July 21, 2021, from <http://www.jstor.org/stable/2265291>.
13. Van Parijs, P., & Vanderborght, Y. (2017). Basic income: A radical proposal for a free society and a sane economy. Harvard University Press.
14. Wispelaere, J. D., & Stirton, L. (2007). The public administration case against participation income. *Social Service Review*, 81(3), PP: 523-549.
15. Urban Institute, Brookings Institution. (2018). key elements of the us tax system.
16. Yunker, J. A. (1977). The Social Dividend Under Market Socialism. *Annals of Public and Cooperative Economics*, 48(1), 91-133. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8292.1977.tb01728.x>
۱. اتکینسون، آ. نابرابری: چه می‌توان کرد؟ ترجمه یوسف چاوه‌پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۲۰۱۵.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، داده‌های سری زمانی بانک مرکزی، ۱۳۹۸. <https://tsd.cbi.ir>
3. Atkinson, A. B. (2015). Inequality. Harvard University Press.
4. Atkinson, A. B., & others. (1995). Public economics in action: the basic income/flat tax proposal. Clarendon Press Oxford.
5. Calsamiglia, C., & Flamand, S. (2019). A Review on "Income: A Radical Proposal for a Free Society and a Sane Economy" by Philippe Van Parijs and Yannick Vanderborght. *Journal of Economic Literature*, 57(3), 644-658. <https://doi.org/10.1257/jel.20181476>
6. Fitzpatrick, T. (1999). Freedom and Security, New York: St. Martin's Press.
- Friedman, M. (2009). Capitalism and freedom. University of Chicago press.
7. Goldsmith, O. S. (2010). The Alaska permanent fund dividend: A case study in implementation of a basic income guarantee. Institute of Social and Economic Research, University of Alaska Anchorage.
8. Hoynes, H., & Rothstein, J. (2019). Universal basic income in the United States and advanced countries. *Annual Review of Economics*, 11, PP: 929-958.
9. Lakhani, B. (2012). Universal Credit: Will it work?. *Local Economy*, 27(5-6), PP: 455-464. <https://doi.org/10.1177/0269094212447482>





مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir